

رابطه سرشت عاطفی - هیجانی و عدم تحمل بلا تکلیفی با احساس انسجام روانی در نوجوانان با تجربه سوگ

ثریا سهرابی

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

Sohilasohrabi2643@gmail.com

صمد شیرین زاده دستگیری

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

s.shirinzadeh@gmail.com

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه سرشت عاطفی - هیجانی و عدم تحمل بلا تکلیفی با احساس انسجام روانی در نوجوانان با تجربه سوگ بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال بودند که به دلیل تجربه سوگ به مراکز مشاوره و روان درمانی شهر فیروزکوه و رودهن در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۳ مراجعه کردند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوهن (۱۹۹۸) ۱۵۰ نفر در نظر گرفته شد. جهت گردآوری داده‌ها در این پژوهش از پرسشنامه‌های احساس انسجام روانی آنتونووسکی (۱۹۹۳)، سرشت عاطفی - هیجانی لارا و همکاران (۲۰۱۲) و عدم تحمل بلا تکلیفی فریستون و همکاران (۱۹۹۴) استفاده شد. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش آماری رگرسیون خطی چندگانه بصورت همزمان و آزمون همبستگی پیرسون و توسط نرم افزار SPSS ویرایش ۲۳ تحلیل شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین مقابله با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۴۲ رابطه مثبت معناداری وجود داشت. همچنین، بین عدم تحمل بلا تکلیفی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۵۸، بین مؤلفه عدم تحمل عاطفی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۴۶، بین مؤلفه عدم تحمل ناراحتی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۵۴، بین مؤلفه عدم تحمل اهداف پیشرفت با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۳۲ و بین مؤلفه عدم تحمل بی‌عدالتی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۵۰ رابطه منفی معناداری وجود داشت. نهایتاً، ۳۹ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی احساس انسجام روانی، توانست توسط متغیرهای سرشت عاطفی - هیجانی و عدم تحمل بلا تکلیفی تبیین شود.

واژگان کلیدی: سرشت عاطفی - هیجانی، عدم تحمل بلا تکلیفی، احساس انسجام روانی، تجربه سوگ

مقدمه

تجربه سوگ و از دست دادن در دوران نوجوانی می‌تواند یکی از چالش‌برانگیزترین بخش‌های رشد و تکامل این دوره باشد. نوجوانان در حال گذر از کودکی به بزرگسالی هستند و با تغییرات گسترده‌ای در سطوح جسمانی، عاطفی، و اجتماعی روبرو می‌شوند. در این میان، روبرو شدن با از دست دادن یکی از عزیزان می‌تواند بر روند شکل‌گیری هویت و احساس انسجام در زندگی آن‌ها تاثیر عمیقی بگذارد (بولن و اوکانر^۱، ۲۰۲۲). احساس انسجام روانی، بیانگر اعتقاد شخص به توانایی برای مقابله با شرایط مختلف است که حس استقلال و خود پیروی را افزایش میدهد و باعث ارتقای رفتارهای مربوط به تندرستی و بهبود عملکرد میشود (لین^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). انسجام روانی سازه‌ای شخصیتی با سه مؤلفه درک پذیری، توانایی مدیریت و معناداری است. در درک پذیری به احساس فرد اطمینان داده می‌شود که هیچ چیز منفی یا حیرت‌آوری اتفاق نیفتاده است و زندگی میتواند خوب و معقولانه و مطابق انتظار پیش رود (لیماروتی^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). تاثیر سوگ بر انسجام روانی نوجوانان بسیار قابل توجه است و می‌تواند آن را به چالش بکشد، زیرا نوجوانان ممکن است در پیدا کردن معنا و فهمیدن چگونگی قرار دادن این تجربه در چارچوب زندگی خود دچار مشکل شوند. با این حال، با پشتیبانی مناسب و استراتژی‌های مقابله‌ای موثر، نوجوانان می‌توانند از این تجربه سوگ به گونه‌ای که به تقویت انسجام روانی‌شان کمک کند، عبور نمایند (اولسونگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). براساس نتایج پژوهش جلالیفر و سواری (۱۴۰۳) یکی از دلایل ضعف در انسجام روان ممکن است ویژگی‌های هیجانی باشد. سرشت عاطفی-هیجانی، به الگوهای پایدار و بنیادین پاسخ‌های عاطفی و هیجانی فرد اشاره دارد که از تفاوت‌های فردی در تجربه، بیان و تنظیم احساسات ناشی می‌شوند (بارتوسیک^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). در نوجوانان با نشانه‌های سوگ، سرشت عاطفی-هیجانی می‌تواند به شکل خاصی تاثیرگذار باشد. این دوره از زندگی، که شاهد تغییرات روانشناختی و اجتماعی گسترده‌ای است، با تجربه از دست دادن می‌تواند به چالش‌های عاطفی قابل توجهی منجر شود. نوجوانان با سرشت عاطفی-هیجانی خاصی، ممکن است این تجربه‌ها را به شیوه‌های متفاوتی تجربه کنند؛ برخی ممکن است به شکل مستقیم‌تر و شدیدتری تحت تاثیر قرار گیرند، در حالی که دیگران ممکن است قادر به تنظیم بهتر احساسات خود در برابر چنین چالش‌هایی باشند (سوسا^۶ و همکاران، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، براساس پژوهش وانگ^۷ و همکاران (۲۰۲۳) دیگر عامل مرتبط با انسجام روانی را میتوان عدم تحمل بلا تکلیفی مطرح کرد. عدم تحمل بلا تکلیفی، نوعی سوگیری شناختی است که بر چگونگی دریافت، تفسیر و واکنش فرد به یک موقعیت نامطمئن در سطوح هیجانی، شناختی و رفتاری تاثیر می‌گذارد (بلانکستین^۸ و همکاران، ۲۰۲۱). در نوجوانان، که هنوز در حال توسعه مهارت‌های مقابله‌ای و فرآیندهای شناختی پیچیده هستند، عدم تحمل بلا تکلیفی می‌تواند بر سلامت روانی، عملکرد تحصیلی و روابط اجتماعی آن‌ها تاثیر منفی بگذارد. این عدم تحمل ممکن است باعث افزایش اضطراب، اجتناب از موقعیت‌ها یا فعالیت‌های جدید به دلیل ترس از نتایج نامعلوم، و دشواری در تصمیم‌گیری شود. بنابراین، نوجوانان با تجربه سوگ

¹. Boelen & O'Connor

². Lin

³. Limarutti

⁴. Olswang

⁵. Bartosik

⁶. Sousa

⁷. Wang

⁸. Blankenstein

ممکن است به ویژه آسیب‌پذیر باشند نسبت به استرس ناشی از بلاتکلیفی و ممکن است به حمایت بیشتری برای توسعه استراتژی‌های مقابله‌ای موثر نیاز داشته باشند (دویلی^۹ و همکاران، ۲۰۲۲).

طبق مطالعاتی که پژوهشگر انجام داده است، سرشت عاطفی-هیجانی، می‌تواند بر نحوه مواجهه نوجوانان با احساسات پیچیده ناشی از سوگ تأثیر بگذارد. در مقابل، عدم تحمل بلاتکلیفی، که به دشواری در پذیرش موقعیت‌های نامشخص اشاره دارد، ممکن است این گروه سنی را در دوران سوگ‌پذیری آسیب‌پذیرتر کند. بنابراین، ترکیب این عوامل ممکن است بر انسجام روانی نوجوانان، که نشان‌دهنده درک معنادار، قابل فهم و مدیریت‌پذیر بودن زندگی است، اثرگذار باشد. حفظ این انسجام در مواجهه با سوگ و شرایط نامشخص، نقشی اساسی در سلامت روانی نوجوانان دارد. این پژوهش از ضرورت بررسی تعامل میان سرشت عاطفی-هیجانی، عدم تحمل بلاتکلیفی و انسجام روانی در نوجوانانی که تجربه سوگ دارند، نشأت می‌گیرد. با وجود تحقیقات گسترده در حوزه سوگ و انسجام روانی، پژوهش‌های کمتری به تأثیر سرشت عاطفی-هیجانی و عدم تحمل بلاتکلیفی بر روند سازگاری روانشناختی نوجوانان پرداخته‌اند. متأسفانه در پژوهش‌های اندکی به بررسی نقش سوگ در عوامل روانشناختی افراد پرداخته شده است، برای مثال بولن و اوکانر (۲۰۲۲) رابطه انسجام روانی با تجربه سوگ در افراد را بررسی و تایید کرده است. لذا با توجه به اهمیت موضوع و خلاء موجود پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این سوال است که آیا بین سرشت عاطفی-هیجانی و عدم تحمل بلاتکلیفی با احساس انسجام روانی در نوجوانان با تجربه سوگ رابطه وجود دارد؟

روش

این پژوهش با روش کمی انجام شد. همچنین پژوهش حاضر بر اساس هدف یک تحقیق بنیادی و بر اساس روش پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی و بر اساس نوع گردآوری داده‌ها میدانی بود. جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال که به دلیل تجربه سوگ به مراکز مشاوره و روان‌درمانی دارای مجوز فعالیت از سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور، سازمان بهزیستی و یا روانپزشکان دارای مجوز فعالیت از سازمان نظام پزشکی کشور در شهر فیروزکوه و رودهن بود که در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۳ مراجعه کردند. با توجه به اهداف پژوهش که بررسی روابط همبستگی بین متغیرهای سرشت عاطفی-هیجانی (شامل ابعاد اراده، خشم، بازداری، حساسیت، مقابله و کنترل)، عدم تحمل بلاتکلیفی (شامل ابعاد تلویحات خودارجایی و رفتار منفی/نا منصفانه) و احساس انسجام روانی است، لازم است حجم نمونه به گونه‌ای تعیین شود که هم توان آزمون کافی فراهم گردد و هم اندازه اثر مورد انتظار بر اساس مطالعات مشابه مورد ارزیابی قرار گیرد. در مطالعات همبستگی، حجم نمونه باید به گونه‌ای تعیین شود که از یک‌سو توان آزمون کافی برای کشف روابط بین متغیرها وجود داشته باشد و از سوی دیگر اندازه اثر مورد انتظار بر اساس مطالعات مشابه ارزیابی شود. برای این منظور، فرمول کوهن^{۱۰} (۱۹۹۸) برای تحلیل رگرسیون چندگانه به کار گرفته می‌شود که پیشنهاد می‌کند برای یافتن اندازه اثر متوسط ($f^2 = 0.15$) با توان آزمون 0.80 ($1-\beta = 0.80$) و سطح معناداری 0.05 ($\alpha = 0.05$)، حداقل ۸۵ نفر مورد نیاز است. با این حال، به دلیل احتمال افت آزمودنی‌ها و افزایش دقت برآوردها، در این پژوهش ۱۵۰ نوجوان مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌های مورد نیاز با

^۹. Doyle

^{۱۰}. Cohen

استفاده از پرسشنامه های احساس انسجام روانی آنتونووسکی¹¹ (۱۹۹۳)، سرشت عاطفی-هیجانی لارا¹² و همکاران (۲۰۱۲) و عدم تحمل بلا تکلیفی فریستون¹³ و همکاران (۱۹۹۴) گردآوری و با استفاده از آزمون رگرسیون خطی همزمان و همبستگی و با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۲۳ تحلیل شد.

احساس انسجام روانی: پرسشنامه احساس انسجام روانی توسط آنتونووسکی (۱۹۹۳) به منظور بررسی حس انسجام افراد طراحی شده است. فرم کوتاه این پرسشنامه ۱۳ سؤال دارد که هر سؤال از لیکرت ۷ گزینه ای تشکیل شده است. عدد ۱ مساوی با هرگز (یا سایر طیفهایی که نشان دهنده عدم تمایل می باشند) بوده و عدد ۷ مساوی با اغلب (یا سایر طیف های نشان دهنده شدت تمایل) بود. در این پرسشنامه سوالات ۱، ۲، ۳، ۷ و ۱۰ به صورت معکوس نمره دهی شدند. نمره گذاری این پرسشنامه از ۱۳ تا ۹۱ بوده که نمره بالاتر بیانگر حس انسجام قوی تر بود. در این ابزار نمره ۱۳ تا ۶۳ بیانگر حس انسجام پایین، نمره ۶۴ تا ۷۹ بیانگر حس انسجام متوسط و نمره ۸۰ تا ۹۱ حس انسجام بالا را نشان داده است. اریکسون و لینداستروم¹⁴ (۲۰۰۶) در یک بررسی روی مجموعه ۴۵۸ مقاله علمی و ۱۳ پایان نامه دوره دکترا که بین ۱۹۹۲ و ۲۰۰۳ منتشر شده بود، نتیجه گیری کردند که پرسشنامه حس انسجام ۱۳ سؤالی دارای اعتبار محتوا، سازه و پیش بین و نیز پایایی مطلوبی بوده و قابلیت کاربرد بین فرهنگی را دارد. در ایران محمدزاده و همکاران (۱۳۹۰) پرسشنامه مذکور را پس از ترجمه روی دانشجویان ایرانی هنجاریابی کردند که آلفای کرونباخ پرسشنامه در دانشجویان پسر و دختر به ترتیب ۰.۷۵ و ۰.۷۸ و روایی همزمان این مقیاس با پرسشنامه ۴۵ سؤالی سرسختی روانشناختی ۰.۵۴ به دست آوردند. همچنین، ضریب بازآزمایی کل مقیاس ۰.۶۶ به دست آمده است. علاوه بر این، این پژوهشگران به منظور بررسی اعتبار پرسشنامه، ارتباط خرده مقیاس های ادراک پذیری، کنترل پذیری و معناداری را با نمره کل پرسشنامه بررسی کردند که به ترتیب ۰.۸۶، ۰.۸۱ و ۰.۷۶ به دست آمد. نتایج به دست آمده اعتبار و پایایی مطلوب مقیاس را نشان دادند.

سرشت عاطفی-هیجانی: پرسشنامه سرشت عاطفی-هیجانی توسط لارا و همکاران (۲۰۱۲) با هدف یکپارچه ساختن سرشت های عاطفی و هیجانی در قالب یک مدل ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۵۲ پرسش است که ابعاد سرشت عاطفی-هیجانی را در بر گرفته است. بخش سرشت هیجانی آن از یک مقیاس دوقطبی ۷ درجه ای تشکیل شده و ابعاد عاطفی نیز با توصیف کوتاه و مقیاس ۵ درجه ای از "اصلاً شبیه من نیست" (با امتیاز ۱) تا "کاملاً شبیه من است" (با امتیاز ۵) ارائه شده اند. لارا و همکاران (۲۰۱۲) ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس کل ۰.۸۶ گزارش شده است. در ایران و در پژوهش چلبیانلو و همکاران (۱۳۹۵) روایی سازه این مقیاس نیز از طریق تحلیل عاملی تاییدی مطلوب گزارش شده است و ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۵ به دست آمد. در پژوهش رسولزاده و همکاران (۱۳۹۴) مقدار ضریب آلفای کل این مقیاس ۰.۸۱ برآورد شد.

عدم تحمل بلا تکلیفی: پرسشنامه عدم تحمل بلا تکلیفی توسط فریستون و همکاران (۱۹۹۴) برای سنجش میزان تحمل افراد در برابر موقعیت های نامطمئن و حاکی از بلا تکلیفی کاربرد دارد. این مقیاس ۲۷ سؤال دارد. عدم تحمل بلا تکلیفی چهار ویژگی را در تمایز افراد مضطرب از افراد سالم مهم میداند. این مقیاس در طیف لیکرت ۵ گزینه ای نمره گذاری شده است. از ۱= کاملاً غلط تا ۵= کاملاً درست. جملات این پرسشنامه نوع واکنش افراد در برابر بلا تکلیفی های زندگی را توضیح داده اند. حداقل نمره این مقیاس ۲۷ و حداکثر آن ۱۳۵ بود. اعتبار این آزمون را فریستون و همکاران (۱۹۹۴) رضایت بخش گزارش

11. Antonovsky

12. Lara

13. Freeston

14. Eriksson & Lindstrom

کردهاند. بوهر^{۱۵} و داگاس (۲۰۰۶) نسخه انگلیسی آن را تهیه و اعتباریابی کردهاند. ضریب همبستگی این مقیاس با پرسشنامه نگرانی ($r=0.60$) مقیاس افسردگی بک ($r=0.59$) و مقیاس اضطراب بک ($r=0.55$) در سطح 0.001 معنی‌دار بدست آمده‌است. همچنین بوهر و داگاس (۲۰۰۲) ضریب پایایی بازآزمایی آن را در فاصله ۵ هفته‌ای 0.74 گزارش کردهاند و ضریب آلفای کرونباخ بدست‌آمده برای این مقیاس را 0.94 گزارش کردهاند. پایایی مقیاس به روش باز آزمایی در پژوهش ارفعی و همکاران (۱۳۹۰) 0.79 و در پژوهش پرتوی پیروز و همکاران (۱۴۰۱) پایایی با روش آلفای کرونباخ 0.96 گزارش شده است.

یافته‌ها

براساس اطلاعات جمعیت‌شناختی، تعداد ۱۵۰ نفر از نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال در این پژوهش شرکت داشتند. از مجموع ۱۵۰ نمونه مورد بررسی، 78.7% درصد نوجوانان دختر و 21.33% درصد پسر بودند. همچنین، سن 23.33% درصد افراد بین ۱۲ تا ۱۳ سال، 72.7% درصد بین ۱۴ تا ۱۵ سال، 2% درصد بین ۱۵ تا ۱۷ سال و 2% درصد ۱۸ سال بود. در جدول ۱، آمار توصیفی مربوط به نمرات متغیرهای تحقیق و هر یک از مؤلفه‌های آن آمده است.

جدول ۱: آمار توصیفی نمرات متغیرهای پژوهش

منبع متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
نمره کل احساس انسجام روانی	150	21	88	51.39	11.40
ادراک‌پذیری	150	6	32	18.06	5.09
کنترل‌پذیری	150	5	35	19.66	5.87
معناداری	150	4	21	13.67	4.01
مقابله	150	19	32	26.31	2.78
خوش‌بینی- توانایی	150	9	16	14.34	1.81
پرتنش- تحریک‌پذیری	150	7	14	9.60	1.70
حساسیت	150	6	12	9.47	0.99
کنترل	150	3	6	4.83	0.97
ترس	150	3	6	4.85	0.78
نمره کل عدم تحمل بلا تکلیفی	150	43	160	114.83	19.62
عدم تحمل عاطفی	150	7	35	21.76	5.69
عدم تحمل ناراحتی	150	7	35	23.00	5.81

¹⁵. Buher

منبع متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
عدم تحمل اهداف پیشرفت	150	15	31	21.58	3.34
عدم تحمل بی‌عدالتی	150	14	67	48.49	9.04

اطلاعات مندرج در جدول ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را به تفکیک نشان داده‌است. قبل از اجرای مدل رگرسیونی، پیشفرض‌های این روش آماری شامل ۱. پیشفرض نرمال بودن توزیع تک‌متغیری، ۲. پیش فرض عدم همخطی چندگانه و ۳. پیش فرض وجود رابطه بین نمرات متغیرهای وابسته مورد بررسی و تایید قرار گرفتند. همچنین نرمال بودن باقیمانده رگرسیون و خودهمبستگی نیز در آزمون رگرسیون بررسی شد.

جدول ۲: آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین سرشت عاطفی - هیجانی با احساس انسجام روانی

متغیر	شاخص	مقابله	خوش‌بینی	پرتنش	حساسیت	کنترل	ترس
احساس انسجام روانی	R	**0.420	**0.434	**0.396	*0.179	-0.111	0.123
	Sig	0.001	0.001	0.001	0.028	0.176	0.135

**معناداری در سطح ۰.۰۱ *معناداری در سطح ۰.۰۵ N=150

با توجه به نتیجه آزمون همبستگی، بین مقابله با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۴۲ در سطح ۰.۹۹ رابطه مثبت معناداری وجود داشت. بین خوش‌بینی - توانایی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۴۳ در سطح ۰.۹۹ رابطه مثبت معناداری وجود داشت. بین پرتنش - تحریک‌پذیری با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۴۰ در سطح ۰.۹۹ رابطه منفی معناداری وجود داشت. بین مؤلفه حساسیت با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۱۸ در سطح ۰.۹۵ رابطه مثبت معناداری وجود داشت. همچنین ضریب همبستگی مثبت گویای این مطلب است که هرچه میزان مقابله، خوش‌بینی - توانایی و حساسیت بیشتر شود، سطح احساس انسجام روانی افزایش می‌یابد و ضریب همبستگی منفی گویای این مطلب است که هرچه میزان پرتنش - تحریک‌پذیری بیشتر شود، سطح احساس انسجام روانی کاهش می‌یابد.

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین عدم تحمل بلا تکلیفی با احساس انسجام روانی

متغیر	شاخص	عدم تحمل بلا تکلیفی	عدم تحمل عاطفی	عدم تحمل ناراحتی	عدم تحمل اهداف پیشرفت	عدم تحمل بی‌عدالتی
احساس انسجام روانی	R	**0.578	**0.455	**0.537	**0.324	-0.502
	Sig	0.001	0.001	0.001	0.001	0.001

**معناداری در سطح ۰.۰۱ N=150

با توجه به نتیجه آزمون همبستگی، بین عدم تحمل بالاترکلیفی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۵۸ در سطح ۰.۹۹ رابطه منفی معناداری وجود داشت. بین مؤلفه عدم تحمل عاطفی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۴۶ در سطح ۰.۹۹ رابطه منفی معناداری وجود داشت. بین مؤلفه عدم تحمل ناراحتی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۵۴ در سطح ۰.۹۹ رابطه منفی معناداری وجود داشت. بین مؤلفه عدم تحمل اهداف پیشرفت با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۳۲ در سطح ۰.۹۹ رابطه منفی معناداری وجود داشت. بین مؤلفه عدم تحمل بی‌عدالتی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۵۰ در سطح ۰.۹۹ رابطه منفی معناداری وجود داشت. همچنین ضریب همبستگی منفی گویای این مطلب است که هرچه میزان عدم تحمل بالاترکلیفی و مؤلفه‌های عدم تحمل عاطفی، عدم تحمل ناراحتی، عدم تحمل اهداف پیشرفت و عدم تحمل بی‌عدالتی بیشتر شود، سطح احساس انسجام روانی کاهش می‌یابد.

جدول ۴: جدول تحلیل واریانس و خلاصه مدل رگرسیونی برای بررسی معناداری مدل رگرسیونی

متغیر ملاک	منبع تغییر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	Sig.	R	R ²	AR ²
احساس انسجام روانی	رگرسیون	8389.955	10	838.996	10.625	0.000	0.658	0.433	0.392
	باقیمانده	10975.734	139	78.962					
	مجموع	19365.689	149	-					

بر اساس اطلاعات جدول ۴، میزان معناداری F برای احساس انسجام روانی با درجه آزادی ۱۰ و ۱۳۹ کمتر از میزان ۰.۰۱ محاسبه شد که این امر بیان گر این است که مدل رگرسیونی در سطح ۹۹٪ معنادار است ($p > 0.01$ و $F(139,10) = 198.13$) و متغیرهای سرشت عاطفی -هیجانی و عدم تحمل بالاترکلیفی به خوبی توانستند احساس انسجام روانی را پیشبینی کنند. همچنین، شدت همبستگی بر اساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه برای احساس انسجام روانی برابر با ۰.۶۶ می‌باشد و مجذور R تعدیل شده برابر ۰.۳۹ می‌باشد، که نشان‌دهنده ۳۹ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی احساس انسجام روانی، توانست توسط متغیرهای سرشت عاطفی -هیجانی و عدم تحمل بالاترکلیفی تبیین شود.

جدول ۵: ضرایب همبستگی و رگرسیون سرشت عاطفی -هیجانی و عدم تحمل بالاترکلیفی بر احساس انسجام روانی

عامل	ضرایب غیر استاندارد	Beta استاندارد	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	51.374	-	3.430	0.001
سرشت عاطفی - هیجانی	0.372	0.091	0.939	0.349
	1.104	0.175	1.999	0.048
	0.852	-0.127	-1.620	0.108
	1.146	0.099	1.466	0.145

عامل	ضرائب غیر استاندارد	Beta	انحراف	سطح
	B	استاندارد	استاندارد	معیندار
		د	د	ی
کنترل	0.133-	0.011-	0.852	0.156-
ترس	0.211	0.014	1.092	0.193
عدم تحمل عاطفی	0.149-	0.074-	0.187	0.796-
عدم تحمل ناراحتی	0.428-	0.218-	0.208	2.059-
عدم تحمل اهداف پیشرفت	0.374-	0.110-	0.249	1.504-
عدم تحمل بی‌عدالتی	0.155-	0.122-	0.121	1.274-
عدم تحمل بلا تکلیفی				

با توجه به اطلاعات جدول ۵، از بین متغیرهای پیشین مولفه خوش‌بینی- توانایی از متغیر سرشت عاطفی- هیجانی با سطح معناداری ۰.۰۴۸ و ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰.۱۸، در تبیین واریانس متغیر احساس انسجام روانی تاثیر داشت. همچنین سطح معناداری مقدار ثابت برابر با ۰.۰۰۱ محاسبه شده است که این امر نشان داد مقدار ثابت محاسبه شده بر متغیر ملاک تاثیر گذار بود.

بحث در نتایج

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین مقابله با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۴۲ رابطه مثبت معناداری وجود داشت. بین خوش‌بینی- توانایی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۴۳ رابطه مثبت معناداری وجود داشت. بین پرتنش- تحریک پذیری با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۴۰ رابطه منفی معناداری وجود داشت و بین مؤلفه حساسیت با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۱۸ رابطه مثبت معناداری وجود داشت. این فرضیه با نتایج بررسی شفيعی و همکاران (۱۳۹۵) و به‌صورت ضمنی با یافته تقی‌پور و ترخان (۱۴۰۳) همسو است. شفيعی و همکاران (۱۳۹۵) دریافتند که سرشت‌های هیجانی مقابله‌ای و سرخوش با سلامت روان افراد آسیب‌دیده از مین رابطه مثبت دارند، در حالی که سرشت‌های افسرده و اضطرابی با آن رابطه منفی دارند. این یافته به‌طور مستقیم تأکید می‌کند که ویژگی‌های پایدار هیجانی-عاطفی افراد نقش مهمی در تبیین سازگاری روانشناختی پس از تجربه رویدادهای آسیب‌زا دارند؛ به‌گونه‌ای که سرشت‌های مبتنی بر تنظیم هیجانی مؤثر و نگرش مثبت، با سطوح بالاتری از سلامت روان و ادراک انسجام همراه هستند. این نتایج به‌خوبی از فرضیه حاضر پشتیبانی می‌کند، چراکه احساس انسجام روانی نیز یکی از ابعاد کلیدی سلامت روان در مواجهه با سوگ و استرس‌های زیستی-اجتماعی است. در همین راستا، تقی‌پور و ترخان (۱۴۰۳) دریافتند که پریشانی روانشناختی، رشد پس از آسیب را در زنان سوگ‌دیده پیش‌بینی می‌کند. اگرچه این پژوهش به‌طور مستقیم به سرشت عاطفی-هیجانی نپرداخته است، اما به‌صورت ضمنی بر نقش منابع درونی فرد، از جمله توانایی تنظیم هیجانی، مقابله با تنش و بازسازی شناختی، در تطابق روانی پس از سوگ تأکید دارد. در این چارچوب، می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های سرشتی نظیر تحریک‌پذیری یا حساسیت بالا می‌توانند در صورت فقدان سازوکارهای مقابله‌ای مؤثر، به تجربه شدیدتر پریشانی و اختلال در انسجام روانی منجر شوند. در ارتباط با تبیین یافته حاضر که نشان داد بین مؤلفه‌های مقابله، خوش‌بینی-توانایی و حساسیت به‌عنوان ابعاد سرشت

عاطفی-هیجانی با احساس انسجام روانی رابطه مثبت و بین مؤلفه پرتنش-تحریک‌پذیری با احساس انسجام روانی رابطه منفی وجود دارد، می‌توان گفت که این نتایج به‌روشنی بر اهمیت نقش کیفیت‌های هیجانی و زیربنایی سرشت فرد در تبیین نحوه مواجهه وی با چالش‌های زندگی تأکید دارند. مؤلفه مقابله که یکی از ابعاد سرشت هیجانی محسوب می‌شود، به توانایی فرد در مواجهه و مدیریت استرس‌ها و فشارهای روزمره اشاره دارد و شامل مهارت‌هایی همچون حل مسئله، تنظیم هیجان و بهره‌گیری از حمایت اجتماعی است (بقائی لمر و ابوالقاسمی، ۱۴۰۰). برخورداری از این توانایی‌ها موجب می‌شود که نوجوانان با تجربه سوگ، بتوانند با استفاده از راهبردهای مؤثر، فشارهای روانی ناشی از فقدان را به شیوه‌ای سازگارانه مدیریت کنند و به دنبال آن، ساختار ادراک شده از زندگی برای آنان منسجم‌تر، قابل‌فهم‌تر و کنترل‌پذیرتر جلوه کند؛ که در نظریه آنتونوفسکی به‌عنوان سه مؤلفه اصلی احساس انسجام روانی یعنی قابل‌فهم بودن، مدیریت‌پذیری و معناداری شناخته می‌شود (نمازی، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، خوش‌بینی-توانایی نیز به‌عنوان یکی از ابعاد سرشت عاطفی، حالتی پایدار از تمایل به پیش‌بینی نتایج مثبت و باور به توانایی در مواجهه با چالش‌ها را دربرمی‌گیرد. افرادی که دارای این ویژگی هستند، گرایش دارند تهدیدها را کمتر فاجعه‌آمیز ارزیابی کرده و توانمندی‌های فردی خود را در مدیریت موقعیت‌های دشوار مؤثر بدانند. چنین نگرشی با مؤلفه معناداری در انسجام روانی همپوشانی دارد، چراکه فرد درک می‌کند که مشکلات و وقایع سخت زندگی بخشی معنادار از فرآیند رشدی او هستند و می‌تواند از آن‌ها در جهت اهداف مهم زندگی بهره‌برداری کند (گومز-سالگادو^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، خوش‌بینی-توانایی می‌تواند انسجام روانی را تقویت کرده و نوجوانان را به پذیرش فقدان و بازسازی معنا در تجربه سوگ هدایت کند. در خصوص مؤلفه حساسیت، که به‌عنوان یکی از اجزای سرشت هیجانی تعریف می‌شود، اشاره به این نکته ضروری است که این سازه به توانایی درک و واکنش نسبت به محرک‌های هیجانی و اجتماعی با دقت بالا اشاره دارد (نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۹). حساسیت بالا ممکن است به فرد کمک کند تا هیجانات خود و دیگران را با ظرافت و دقت بیشتری درک کرده و در نتیجه در فرآیند سوگ و تنظیم عواطف ناشی از آن، عمیق‌تر وارد شود. این فرایند موجب بهبود درک فرد از تجربه فقدان و ارتقاء انسجام روانی خواهد شد؛ چراکه درک هیجانات پیچیده مرتبط با سوگ، یکی از ارکان معنابخشی به تجربه از دست دادن است (سوری و روشن، ۱۴۰۲). به عبارت دیگر، حساسیت می‌تواند به درک عمیق‌تر از تجربه سوگ و پیوند آن با اهداف و ارزش‌های فردی کمک کرده و از این مسیر، معناداری زندگی را ارتقاء بخشد. در نقطه مقابل، پرتنش-تحریک‌پذیری که از جمله مؤلفه‌های ناپایدار سرشت عاطفی-هیجانی محسوب می‌شود، با واکنش‌های شدید، نوسانات خلقی، و تمایلات هیجانی غیرقابل پیش‌بینی همراه است و اغلب به صورت رفتارهای انفجاری، تحمل پایین نسبت به ناکامی و کنترل ضعیف بر خشم نمود می‌یابد (احمدی، ۱۴۰۱). چنین الگوی سرشتی با تضعیف مؤلفه قابل‌فهم بودن و مدیریت‌پذیری در احساس انسجام روانی همراه است؛ چراکه فردی که مدام درگیر نوسانات خلقی و هیجانات منفی شدید است، نمی‌تواند محرک‌های زندگی را به‌صورت ساختاریافته و قابل پیش‌بینی درک کند و همچنین از بهره‌برداری مؤثر از منابع مقابله‌ای برای کنترل وضعیت‌های دشوار ناتوان می‌ماند. پرتنش بودن نوجوانان موجب می‌شود تا در فرآیند سوگ به‌جای بازسازی شناختی و معنا دادن به تجربه، درگیر سرزنش، انکار، و اجتناب هیجانی شوند؛ که این الگوها در نهایت مانع از توسعه یکپارچگی شناختی و عاطفی در تجربه فقدان می‌شود (مرادی و همکاران، ۱۴۰۰). بدین ترتیب، ویژگی‌هایی مانند مقابله، خوش‌بینی-توانایی و حساسیت، با تسهیل پردازش

¹⁶. Gómez-Salgado

شناختی-عاطفی تجربیات دشوار، موجبات ارتقای احساس انسجام روانی را فراهم می‌آورند، حال آن‌که پرتنش-تحریک‌پذیری با ایجاد اختلال در این فرایند، به تضعیف انسجام روانی منجر می‌شود.

همچنین، دیگر نتایج نشان داد که بین عدم تحمل بالاتکلیفی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۵۸، بین مؤلفه عدم تحمل عاطفی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۴۶، بین مؤلفه عدم تحمل ناراحتی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۵۴، بین مؤلفه عدم تحمل اهداف پیشرفت با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۳۲ و بین مؤلفه عدم تحمل بی‌عدالتی با احساس انسجام روانی با ضریب همبستگی ۰.۵۰ رابطه منفی معناداری وجود داشت. این فرضیه با نتایج بررسی‌های کندی^{۱۷} و همکاران (۲۰۲۱) و بولن (۲۰۱۰) و به‌صورت ضمنی با یافته‌های سامرین^{۱۸} و همکاران (۲۰۲۴)، اسپاچر^{۱۹} و همکاران (۲۰۲۳) و بولن و اوکانر (۲۰۲۲) همسو است. کندی و همکاران (۲۰۲۱) دریافتند که انعطاف‌ناپذیری روانی نقش میانجی در رابطه بین عدم تحمل بالاتکلیفی و علائم روانشناختی در افراد سوگ‌دیده ایفا می‌کند. این یافته به‌طور مستقیم بر این نکته تأکید دارد که ناتوانی در مواجهه با موقعیت‌های مبهم، ناپایدار و از نظر هیجانی دشوار، همچون تجربه سوگ، می‌تواند منجر به اختلال در سازوکارهای مقابله‌ای شده و سلامت روانی افراد را به خطر بیندازد. در این چارچوب، کاهش ظرفیت تحمل بالاتکلیفی با ضعف در انسجام روانی، به‌ویژه در معنابخشی به تجربه فقدان، مرتبط است. بولن (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که عدم تحمل بالاتکلیفی با شدت علائم سوگ پیچیده و اختلال استرس پس از سانحه مرتبط است؛ این یافته به‌صورت مستقیم بیانگر آن است که سطوح بالای عدم تحمل بالاتکلیفی، با افزایش آشفتگی روانشناختی پس از فقدان همراه است و مانع از فرایند بازسازی انسجام ذهنی و معنوی فرد می‌شود. چنین نتایجی مؤید آن است که تحمل بالاتکلیفی یکی از مؤلفه‌های زیرساختی در سازگاری مؤثر با سوگ و حفظ احساس انسجام روانی است. در همین راستا، سامرین و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که حس انسجام می‌تواند اثرات منفی سوگ را بر ناکامی روانشناختی زنان با تجربه مرگ جنین تعدیل کند. هرچند این پژوهش به متغیر عدم تحمل بالاتکلیفی نپرداخته‌است، اما به‌صورت ضمنی تأکید می‌کند که انسجام روانی به‌عنوان یک سازه حفاظتی، می‌تواند شدت تأثیر بالاتکلیفی‌های هیجانی و شناختی ناشی از فقدان را کاهش دهد. اسپاچر و همکاران (۲۰۲۳) نیز در یک فراتحلیل دریافتند که حس انسجام با مشکلات سلامت روان نوجوانان، به‌ویژه علائم افسردگی و تنهایی، رابطه منفی معناداری دارد؛ این نتیجه به‌صورت غیرمستقیم بر اهمیت نقش انسجام روانی در پیشگیری از اثرات منفی ناپایداری‌های شناختی و هیجانی در نوجوانی تأکید دارد. در نقطه مقابل، بولن و اوکانر (۲۰۲۲) گزارش کردند که تجربه سوگ و افسردگی ممکن است به بازسازی انسجام روانی در برخی افراد بینجامد، که می‌توان آن را به تفاوت در توان تحمل ابهام، پذیرش فقدان و سبک‌های مقابله‌ای نسبت داد. در ارتباط با تبیین یافته حاضر که نشان داد بین مؤلفه‌های عدم تحمل عاطفی، عدم تحمل ناراحتی، عدم تحمل اهداف پیشرفت و عدم تحمل بی‌عدالتی به‌عنوان مؤلفه‌های عدم تحمل بالاتکلیفی با احساس انسجام روانی رابطه منفی معناداری وجود دارد، می‌توان گفت که این نتیجه بیانگر آن است که عدم توانایی نوجوانان در مواجهه با جنبه‌های مبهم، پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر زندگی، ظرفیت آن‌ها برای ادراک منسجم، مدیریت‌پذیر و معنادار کردن رویدادهای استرس‌زا را تضعیف می‌سازد. عدم تحمل بالاتکلیفی به‌عنوان یک سوگیری شناختی، از جمله ویژگی‌هایی است که پاسخ‌های هیجانی، رفتاری و ادراکی افراد را در شرایط نامعلوم تحت تأثیر قرار می‌دهد (بلانکستین و همکاران، ۲۰۲۱). افراد با سطح بالای این ویژگی، به‌ویژه در مواجهه

17. Kennedy

18. Samreen

19. Schäfer

با فقدان یا سوگ، به جای پذیرش تدریجی واقعیت و معنا دادن به تجربه از دست دادن، اغلب دچار آشفتگی شناختی، تعلیق هیجانی و واکنش‌های پرتنش می‌شوند. در این میان، مؤلفه عدم تحمل عاطفی به ناتوانی فرد در تحمل تجربه هیجان‌های منفی و ناخوشایند اشاره دارد. این افراد تلاش می‌کنند هرگونه نشانه‌ای از اضطراب، اندوه، خشم یا دل‌تنگی را سرکوب کنند یا از آن بگریزند. چنین رویکردی باعث می‌شود تا تجربه هیجانات سوگ، که به‌طور طبیعی باید فرایند ادراک، معناسازی و انطباق روانی را تسهیل کند، به جای آن به منبعی از اضطراب و سردرگمی تبدیل شود. این امر، توانایی نوجوان برای یکپارچه‌سازی این تجربه در ساختار روانی خویش را مختل کرده و در نتیجه، مؤلفه قابل‌فهم بودن در ساختار انسجام روانی تضعیف می‌شود (خانی و آقایی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، عدم تحمل ناراحتی نشان‌دهنده ناتوانی در پذیرش و بقاء در شرایط تنش‌زای موقت یا بلندمدت است. نوجوانی که از این ویژگی برخوردار است، تمایل دارد در برابر کوچک‌ترین نشانه‌ای از ناراحتی، از مواجهه اجتناب کرده و واکنش‌های شدید هیجانی یا اجتنابی بروز دهد. این واکنش‌ها به‌ویژه در شرایط فقدان و سوگ، که مستلزم تجربه و عبور آگاهانه از هیجانات پیچیده است، منجر به اختلال در سازوکارهای ادراکی و رفتاری می‌شود. به دلیل عدم توانایی در تحمل ناراحتی، فرد قادر به فعال‌سازی منابع روان‌شناختی درونی برای مدیریت چالش‌ها نیست و در نتیجه مدیریت‌پذیری در انسجام روانی آسیب می‌بیند. همچنین، عدم تحمل اهداف پیشرفت بیانگر حساسیت نسبت به موقعیت‌هایی است که فرد در دستیابی به اهداف با تأخیر، مانع یا شکست مواجه می‌شود (رایزر²⁰ و همکاران، ۲۰۲۱). نوجوانی که نمی‌تواند ناتوانی موقت یا تأخیر در رسیدن به اهداف را تحمل کند، در شرایط سوگ، که معمولاً با بازتعریف اهداف و سازگاری مجدد با شرایط همراه است، دچار تعارض درونی شدید و سردرگمی خواهد شد. او قادر نخواهد بود فرایند از دست دادن را به‌عنوان یک واقعیت در زندگی پذیرفته و برای زندگی دوباره بازسازی هدف انجام دهد. در نتیجه، مؤلفه معناداری در احساس انسجام روانی به‌شدت مختل می‌شود؛ چراکه فرد نمی‌تواند ارتباط معناداری میان تجربه فقدان و مسیر زندگی خود برقرار کند. در نهایت، عدم تحمل بی‌عدالتی به معنای ناتوانی در پذیرش موقعیت‌هایی است که فرد آن‌ها را ناعادلانه یا خارج از شایستگی‌های خود تلقی می‌کند. نوجوانانی که دچار این ویژگی هستند، معمولاً فقدان یک عزیز را به‌عنوان یک بی‌عدالتی بزرگ درک می‌کنند و دچار خشم، انکار یا احساس پوچی می‌شوند. چنین ادراکی مانع از درونی‌سازی واقعیت فقدان می‌شود و زمینه بروز واکنش‌های هیجانی مخرب، از جمله احساس قربانی شدن، خشم نسبت به جهان یا سرنوشت، و انزوای روانی را فراهم می‌کند. این وضعیت نیز با تضعیف هر سه مؤلفه انسجام روانی - از جمله درک‌پذیری، مدیریت‌پذیری و معناداری - همراه خواهد بود (نمازی، ۱۴۰۰). به‌طور کلی، یافته مذکور با مدل نظری آنتونوفسکی در خصوص انسجام روانی سازگار است؛ زیرا او معتقد بود انسجام روانی زمانی شکل می‌گیرد که فرد قادر باشد رویدادهای زندگی را درک‌پذیر، قابل مدیریت و معنادار تلقی کند (آنتونوفسکی، به نقل از جهانبخشی و همکاران، ۱۴۰۱). در شرایطی که نوجوان به دلیل ویژگی‌های شناختی و هیجانی خود قادر به تحمل ابهام، درد، ناکامی و بی‌عدالتی نباشد، انسجام روانی به‌عنوان سپری محافظ در برابر بحران‌ها کارکرد خود را از دست داده و فرد مستعد آسیب‌های روانشناختی گسترده‌تری می‌گردد.

نهایتاً، سایر نتایج نشان‌داد که ۳۹ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی احساس انسجام روانی، توانست توسط متغیرهای سرشت عاطفی - هیجانی و عدم تحمل بالاتکلیفی تبیین شود. همچنین از بین متغیرهای پیشبین مولفه خوش‌بینی - توانایی از متغیر سرشت عاطفی - هیجانی با ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰.۱۸، در تبیین واریانس متغیر احساس انسجام روانی تاثیر

²⁰. Reizer

داشت. این فرضیه با نتایج مطالعه شفيعی و همکاران (۱۳۹۵) و به صورت ضمنی با یافته تقی پور و ترخان (۱۴۰۳) همسو است. در ارتباط با تبیین یافته حاضر که نشان داد سرشت عاطفی-هیجانی در پیش بینی احساس انسجام روانی نوجوانان دارای تجربه سوگ سهم دارد، می توان گفت که این نتیجه با مبانی نظری و مدل های روانشناختی مرتبط با نقش ساختارهای عاطفی-شناختی در شکل دهی به ادراک انسجام یافته از جهان، سازگاری کامل دارد. سرشت عاطفی-هیجانی، همان گونه که در مدل لارا و همکاران (۲۰۱۲) تعریف شده است، به الگوهای زیربنایی، پایدار و نیمه زیستی پاسخ های عاطفی و رفتاری افراد در برابر محرک های محیطی اطلاق می شود که شامل ابعاد متنوعی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس، سرحالی، حساسیت، خشم، اراده، کنترل، و... است (مجیدآذر، ۱۴۰۲). این ابعاد از طریق تعاملات مکرر فرد با محیط، به ویژه در طول دوره های بحرانی رشد مانند نوجوانی، شکل می گیرند و بر سبک مواجهه فرد با وقایع استرس زا و ارزیابی های شناختی او تأثیر می گذارند. نوجوانی که در این مرحله با سوگ مواجه می شود، درگیر پردازش های هیجانی و شناختی پیچیده ای است که مستلزم بازسازی معنا، تحمل احساسات شدید، بازتعریف هدف های زندگی و بازیابی حس پیوستگی درونی است. این فرآیند، مستقیماً در حوزه عملکرد احساس انسجام روانی قرار می گیرد؛ احساسی که متشکل از سه مؤلفه قابل فهم بودن، قابلیت مدیریت و معناداری است. همچنین، سرشت عاطفی-هیجانی در نوجوانان دارای تجربه سوگ، می تواند هم به صورت عامل آسیب پذیر و هم به عنوان منبعی برای سازگاری عمل کند. نوجوانانی که از سرشتی انعطاف پذیر، سازگار و متعادل برخوردارند، معمولاً وقایع تهدیدکننده را با سطح بالاتری از کنترل هیجانی، آگاهی درونی و پردازش شناختی مؤثر مواجه می شوند. در مقابل، سرشت های ناپایدار، واکنش های هیجانی شدید و بازداری نشده ای را نسبت به فقدان فعال کرده و توانایی فرد برای دستیابی به انسجام روانی را مختل می کنند. این یافته تأیید می کند که عوامل درونی پایدار و زیربنایی مانند سرشت عاطفی-هیجانی، نه تنها زمینه ساز نوع مواجهه با سوگ هستند، بلکه کیفیت تنظیم شناختی و عاطفی پس از آن را نیز تعیین می کنند. به عبارتی، نوجوانان با ساختار سرشتی متعادل، توانایی بالاتری در یکپارچه سازی تجربه از دست دادن در نظام معنایی خود دارند، به گونه ای که بتوانند آن را بخشی از مسیر زندگی قلمداد کرده و انسجام روانی خود را بازسازی کنند (سوری و روشن، ۱۴۰۲). از این منظر، سرشت عاطفی-هیجانی به عنوان متغیری بنیادین، در شکل دهی به انسجام روانی نوجوانان داغ دیده، نقش پیش بین دارد و می تواند چارچوبی تبیینی برای درک چرایی تفاوت های فردی در واکنش به تجربه سوگ فراهم آورد.

منابع

- احمدی، ش. (۱۴۰۱). الگوی روابط علی‌سویگیری‌های پردازش عاطفی-هیجانی، سرشت عاطفی و باورهای شخصیتی ناکارآمد با پاسخ‌دهی به درمان افراد وابسته به مواد: نقش میانجیگری تاب‌آوری ایگو و کنترل بازداری. رساله دکتری تخصصی، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- ارفعی، ا.، بشارت قراملکی، ر.، قلی‌زاده، ح. و حکمتی، ع. (۱۳۹۰). عدم تحمل بلاتکلیفی: مقایسه بیماران افسرده اساسی با بیماران وسواسی-اجباری. مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز. ۳۳ (۵)، ۲۲-۱۷.
- بقائی لمر، ش. و ابوالقاسمی، ع. (۱۴۰۰). مقایسه سرشت عاطفی/هیجانی و هوش معنوی در افراد با و بدون اختلال خشم انفجاری متناوب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، دانشکده علوم انسانی
- پرتوی پیروز، ل.، جمهری، ف.، سعادت‌شامیر، ا. و حسنی، ج. (۱۴۰۱). مدل ساختاری اضطراب سلامت بر اساس عدم تحمل بلاتکلیفی و حساسیت اضطرابی با میانجیگری نشخوار فکری در دانشجویان مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان، ۳ (۲)، ۲۹۰-۲۷۸.
- تقی‌پور، ط. و ترخان، م. (۱۴۰۳). رابطه بین احساس معنا در زندگی، امیدواری و پریشانی روان‌شناختی با رشد پس از آسیب زنان دارای تجربه سوگ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی شخصیت، دانشگاه پیام نور استان مازندران، مرکز پیام نور رامسر.
- جلالی فر، ز. و سواری، ک. (۱۴۰۳). بررسی رابطه خودمهارگری با انسجام روانی و خودنظم‌بخشی عاطفی از طریق نقش میانجی تاب‌آوری دانش‌آموزان پایه دوازدهم دشت آزادگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان خوزستان، مرکز پیام نور اهواز.
- جهانبخشی، ز.، کشاورز افشار، ح.، باهنر، ف. و جای‌باش، ز. (۱۴۰۱). پیش‌بینی عدالت زناشویی ادراک شده براساس احساس انسجام روانی و همدلی زناشویی با میانجی‌گری معنویت زناشویی. مجله خانواده پژوهی، ۱۸ (۳)، ۵۶۸-۵۵۱.
- چلبیانلو، غ.، عبدی، ر.، رسول‌زاده، م. و شیخ، س. (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ترکیبی سرشت عاطفی و هیجانی (AFECT) در دانشجویان. پژوهش‌های نوین روانشناختی (روانشناسی دانشگاه تبریز)، ۱۱ (۴۲)، ۷۱-۵۱.
- خانی، ف. و آقایی، ا. (۱۴۰۱). مقایسه بهزیستی معنوی و احساس انسجام روانی زوجین رضایت‌مند و زوجین دارای تعارض. پژوهش در دین و سلامت، ۸ (۳)، ص ۹۳-۱۰۸.
- رسول‌زاده، م.، چلبیانلو، غ.، عبدی، ر. و شیخ، س. (۱۳۹۴). نقش مدل ترکیبی سرشت عاطفی و هیجانی (AFECT) در پیش‌بینی علائم اختلال افسرده‌خویی (DD) در دانشجویان. مجله مطالعات علوم پزشکی، ۲۶ (۵)، ۴۴۰-۴۵۰.
- سوری، ف. و روشن، م. (۱۴۰۲). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سلامت روان با نقش میانجی انسجام روانی دانش‌آموزان دوره دوم دبیرستان‌های شهرستان کوهدشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان همدان، مرکز پیام نور همدان.
- شفیعی، م.، سپهوندی، م. ع. و حیدری‌راد، ح. (۱۳۹۵). نقش سرشت عاطفی و هیجانی در پیش‌بینی سلامت روان افراد مواجهه‌شده با رویداد آسیب‌زای انفجار مین. نشریه علمی پژوهشی روانشناسی سلامت، ۶ (۱)، ۵۰-۳۷.

- مجیدآذر، ع. (۱۴۰۲). رابطه سرشت عاطفی-هیجانی و حساسیت اضطرابی با اضطراب سلامت: نقش میانجی تحمل پریشانی و دشواری در تنظیم هیجان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، پردیس‌های منطقه‌ای - پردیس بین‌المللی ارس.
- محمدزاده، ع.، پورشریف، ح. و علیپور، ا. (۱۳۹۰). بررسی ویژگی‌های روانسنجی آزمون ۱۳ پرسشی حس انسجام آنتونوسکی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه پیام نور.
- مرادی، ف.، عسکری زاده، ق. و باقری، م. (۱۴۰۰). نقش مدل ترکیبی سرشت عاطفی-هیجانی و عدم تحمل بلا تکلیفی در پیش‌بینی اضطراب سلامت در دانشجویان. نشریه روان پرستاری، ۳ (۹)، ۱۴-۲۳.
- نصرآبادی، س.، ابوالقاسمی، ع. کافی ماسوله، م. (۱۳۹۹). مقایسه سرشت عاطفی هیجانی، توانایی‌های شناختی و کارکردهای خانوادگی زنان در پیش، حین و پس از یائسگی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- نمازی، آ. (۱۴۰۰). اثربخشی گروه درمانی مثبت‌نگر بر احساس انسجام روانی و سرمایه روان‌شناختی دختران بی‌سرپرست. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد
- Antonovsky, A. (1993). The structure and properties of the sense of coherence scale. *Soc Sci Med*; 36(6):725-33.
- Bartosik, N. K., Frankowski, R., Kobierecki, M., Deska, K., Twarowski, A., Bąk, B., Kosmalski, M., & Pietras, T. (2023). The association between affective temperaments and depressive symptoms in a population of medical university students, Poland. *Frontiers in psychiatry*, (14), 107-940.
- Blankenstein, N. E., Huettel, S. A., & Li, R. (2021). Resolving ambiguity: Broadening the consideration of risky decision making over adolescent development. *Developmental Review*, 62, Article 100987
- Boelen P. (2010). Intolerance of uncertainty and emotional distress following the death of a loved one. *Anxiety, stress, and coping*, 23(4), 471-478.
- Boelen, P. A., & O'Connor, M. (2022). Is a sense of coherence associated with prolonged grief, depression, and satisfaction with life after bereavement? A longitudinal study. *Clinical psychology & psychotherapy*, 29(5), 1599-1610.
- Buher, K., & Dugas, M. J. (2006). Inves ga the construct validity pf intolerance uncertainty and its unique relationship with worry. *Anxiety disord* 20: 222-236.
- Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences* (2nd Ed.). Routledge.
- Doyle, J. N., Watt, M. C., Howse, M., Blair, K., & Hauf, P. (2022). What is creepiness? The underlying role of ambiguity. *Canadian Journal of Behavioural Science / Revue canadienne des sciences du comportement*, 54(3), 173-181
- Eriksson, M., & Lindström, B. (2006). Antonovsky's sense of coherence scale and the relation with health: a systematic review. *Journal of epidemiology & community health*, 60(5), 376-381.
- Freeston, M. H., Rhéaume, J., Letarte, H., Dugas, M. J., & Ladouceur, R. (1994). Why do people worry? *Personality and Individual Differences*, 17(6), 791-802.

- Gómez-Salgado, J., Domínguez-Salas, S., Romero-Martín, M., Ortega-Moreno, M., García-Iglesias, J. J., & Ruiz-Frutos, C. (2020). Sense of coherence and psychological distress among healthcare workers during the COVID-19 pandemic in Spain. *Sustainability*, 12(17), 6855.
- Kennedy, C., Deane, F. P., & Chan, A. Y. C. (2021). Intolerance of uncertainty and psychological symptoms among people with a missing loved one: Emotion regulation difficulties and psychological inflexibility as mediators. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 21, 48–56
- Lara, D. R., Bisol, L. W., Brunstein, M. G., Reppold, C. T., de Carvalho, H. W., & Ottoni, G. L. (2012). The Affective and Emotional Composite Temperament (AFFECT) model and scale: a system-based integrative approach. *Journal of affective disorders*, 140(1), 14–37.
- Limarutti, A., Maier, M. J., Mir, E., & Gebhard, D. (2021). Pick the Freshmen Up for a "Healthy Study Start" Evaluation of a Health Promoting Onboarding Program for First Year Students at the Carinthia University of Applied Sciences, Austria. *Frontiers in public health*, (9), 652-998.
- Lin, Y., Zhang, B., & Xu, R. (2021). Sense of coherence can predict hope in older adults: A cross-lagged analysis. *Aging & Mental Health*. Advance online publication.
- Olswang, G. P., Braun-Lewensohn, O., & Litvak-Hirsch, T. (2023). Sense of Coherence of Institution-Confined Teenage Girls at Risk Check for updates. *Women's Empowerment for a Sustainable Future: Transcultural and Positive Psychology Perspectives*, 65.
- Reizer, A., Geffen, L., & Koslowsky, M. (2021). Life under the COVID-19 lockdown: On the relationship between intolerance of uncertainty and psychological distress. *Psychological Trauma: Theory, Research, Practice, and Policy*, 13(4), 432.
- Samreen, R., Rashid, S., & Nadeem, B. (2024). Moderating Role of Sense of Coherence on the Relationship between Grief and Embitterment among Women's Experiences Fetal Demise/Spontaneous Abortion. *Qlantic Journal of Social Sciences*, 5(2), 424-432.
- Schäfer, S. K., Sopp, M. R., Fuchs, A., Kotzur, M., Maahs, L., & Michael, T. (2023). The relationship between sense of coherence and mental health problems from childhood to young adulthood: A meta-analysis. *Journal of affective disorders*, 325, 804–816.
- Sousa, M., Peixoto, M., Cruz, O. (2023). The Relationship between Temperament Characteristics and Emotion Regulation Abilities in Institutionalized and Noninstitutionalized Children. *Psychol Stud*, (68), 421–433.